

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای چهل و دوم (ختم قرآن)

جلسه ۲۵

۱۳۹۶/۰۸/۰۸

■ مؤلفه‌های ادب مع القرآن

۱. توسل و استغاثه به قرآن کریم

■ قرآن کریم، یک حقیقت تودرتو است

■ چگونگی پناه بردن به قرآن کریم

۲. خدمت به قرآن کریم

■ وجوه مختلف خدمت به قرآن کریم

که اگر کنار هم چیده شود، شرح ادب مع القرآن خواهد شد.

امشب به لطف خدای متعال، دو نکته به مطالب قبلی اضافه می‌کنم.

۱. توسل و استغاثه به قرآن کریم

یکی از مواردی که در ارتباط با قرآن کریم باید در برنامه‌ی ما باشد، توسل و استغاثه‌ی به آن است. قرآن می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» [۱] و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید». حبل الله قبلاً توضیح داده شد که همان قرآن و عترت است که خط تماس ما با عالم ربوبی محسوب می‌شود.

دنیا، اسفل السافلین و محیطی معرفی گردیده که تاریکی‌درتاریکی است و اگر کسی در قعر چنین محیطی باشد،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و بسم الله

موضوع بحث، گزارش مضامین دعای چهل و دوم صحیفه‌ی سجادیه بود که دعای امام در ختم قرآن است و حاوی مضامین بسیار عالی در قرآن‌شناسی و تحصیل ادب مع القرآن است.

امیدوارم حال ما در ارتباط با قرآن کریم، از زمان آغاز تأمل در این نکات و قرار گرفتن در محیط این دعای قرآنی، بهتر شده باشد.

مؤلفه‌های ادب مع القرآن

امام در این دعا فرموده‌اند که: خدایا! اکنون که توفیق تلاوت قرآن را به من داده‌ای، مرا یاری کن تا حق قرآن را رعایت کنم.

نکته‌هایی را در اینجا عرض کردیم

در معرض خطرهای بزرگی قرار دارد. بزرگ‌ترین خطر این است که در چنین مکانی بماند. تنها چیزی که برای انسان، امید و آرامش و شوق ارتقا و ارتفاع ایجاد می‌کند، وجود یک ریسمان محکم است که به نقطه‌ی امنی بیرون از این چاه متصل باشد. اگر این ریسمان را نداشته باشید، دچار اضطراب و خطر و ناامیدی و حسرت و تسلط تاریکی و حیرت و... می‌شوید؛ اما چنانچه یک حبل یا ریسمان محکم آویخته در دسترس شما باشد، حال شما تغییر خواهد کرد.

فقط عزم و اراده لازم است تا ریسمان را بگیرید و از آن فضای پرخطر خارج شوید. باید این ریسمان را بگیرید و به‌قدری ادامه دهید تا از آن محیط پرخطر خارج شوید و کم‌کم در معرض روشنایی قرار گیرید. وقتی از این

اعتصام به معنای محکم گرفتن و حرکت است. در ضمن این تعبیر، نکته‌هایی هست که در جای خود گفته‌ایم و باز هم باید بگوییم. یکی از این نکته‌ها، همین حالت استغاثه و توسل است. انسان وقتی حالت اضطراب دارد، به کسی می‌ماند که در

یک کشتی سوار است و وسط امواج قرار دارد. این حالت، حالت اضطراب است و محصول این اضطراب، می شود استغاثه. خوف و ترس، در حالت اضطراب تقویت می شود و حیرت در کنار آن قرار می گیرد که حاصل آن می شود کمک خواهی. انسان در این وضعیت ناله و زاری می کند و مدد می خواهد که به این حالت توسل می گوئیم. اگر در چنین وضعیتی، وسیله ی نجات (همان ریسمان) در دسترس او قرار گیرد، به آن چنگ می زند.

وزیر حضرت سلیمان (علیه السلام)

و فرماندهی گروه جنی ها، آقای
 اصف بن برخیا است. قرآن
 درباره ی او می گوید: «قَالَ يَا
 أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا
 قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ قَالَ
 عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ
 قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي
 عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ قَالَ الَّذِي

این توسل جستن و اعتصام،
 قرائت و تدریس و تعلیم و
 تفکر و تدبیر را در بر می گیرد.

قرآن کریم، یک حقیقت تودرتو است

قرآن ظاهر و باطنی دارد و وجود

فوق توان عادی می‌شود. علم الهی در این کتاب تجلی کرده است و وقتی تو به این علم متصل شوی، قدرت پیدا می‌کنی و حداقل فایده‌ی آن این است که تو مدیر خودت و مسلط بر خودت و فرمانروای مملکت وجود خودت می‌شوی. کتاب الهی چنین ظرفیتی دارد.

ضمناً گریزی می‌زنیم و آن اینکه قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌گوید: کفار می‌گویند تو پیامبر نیستی! به آنها جواب بده و بگو: «كَفَىٰ بِاللهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»؛ [۳] کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد». خداوند بر اینکه من پیامبر هستم، شاهد است. شاهد دیگر من کسی است که کل «علم الكتاب» نزد او است.

عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ؛ [۲] [سلیمان] گفت: ای سران [کشور] کدام یک از شما تخت او [ملکه‌ی سبأ] را پیش از آنکه مطیعانه نزد من آیند، برای من می‌آورد؟ عفرتی از جن گفت: من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی، برای تو می‌آورم و بر این [کار] سخت توانا و مورد اعتمادم. کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود، گفت: من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برایت می‌آورم». حضرت همین شخص را پسندید. به نظر من حضرت سلیمان (علیه السلام) می‌خواست آن وزیر اعظم را معرفی کند و بگوید خلیفه و جانشین من چنین کسی است. پس در ژرفای کتاب الهی، حقیقتی نهفته است که چنانچه کسی به اندکی از آن دسترسی پیدا کند، صاحب توان و قدرتی

خدای متعال، شفیع و واسطه قرار دهد و از آن وجود مرتفع و باشکوه کمک گیرد؛ چنان‌که امام سجاد (علیه السلام) فرموده‌اند: «اگر همه‌ی مردم از شرق تا غرب عالم بمیرند، چنانچه قرآن در کنار من باشد، هرگز احساس وحشت و تنهایی نکنم». [۵]

نمی‌دانم تاکنون به قرآن پناهنده شده‌اید یا نه! اما اگر پناه ببرید، خواهید دید که خبرهایی هست. انسان در همه‌ی شئون و بخش‌های زندگی، مخصوصاً در لحظات خطر و انتخاب و تصمیم‌های بزرگ، باید به قرآن پناه ببرد و زیر سایه‌ی قرآن برود.

فراتر از این هم مطالبی هست. مثلاً مرگ و برزخ را تصور کنید؛ ببینید ما را کجا می‌خواهند ببرند و ما این‌قدر غافل هستیم! امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

اگر وزیر اعظم سلیمان، اندکی از علم کتاب را داشت و توانست آن اتفاق را محقق سازد، وزیر اعظم من کسی است که کل علم نزد او است. جان عالم فدای علی ابن ابیطالب (علیه السلام)! این آیه از نظر توصیف مقامات علوی، یکی از رفیع‌ترین آیات است. [۴]

پس این کتاب، دارای وجود حقیقی یکپارچه و متحدی است که نازله‌ی علم و قدرت و حکمت الهی است. اعتصام ما به این کتاب مبتنی بر معرفتی است که از دل آن، ایمان خارج می‌شود.

چگونگی پناه بردن به قرآن کریم

قلب مضطرب و پریشان و ذهن آشفته‌ی تو که گرفتار این گرداب‌ها است، باید به حضرت قرآن پناه ببرد و او را در پیشگاه

«لحظه‌ها و روزها با سرعت ما را به سمت مرگ می‌برند». اولیای خدا به من و شما گفته‌اند که برای برزخ تدارک ببینیم. بعد از آن هم سفر طولانی داریم تا به عظیم‌المورد برسیم که ورود به حساب الهی و میزان و حشر است. تمام اینها به توسل به قرآن کریم نیاز دارد. اگر آن فهم و بیداری در انسان پیدا شود، باید هر روز ارتباط خود را با قرآن محکم‌تر سازد تا به مرحله‌ی نجات برسد. در آن وحدت حقه و حقیقی، شما با توسل به قرآن، به محضر اولیای الهی و ولی‌اعظم خدا می‌روید. این کتاب مکتوب و آن کتاب تکوین با هم متحد هستند.

یک نمونه‌ی خیلی جذاب و شیرین توسل به قرآن، در شب قدر رخ می‌دهد. در شب قدر توسل به ظاهر و باطن و

معنای قرآن نهفته است و اگر انسان به این حقیقت برسد، ليله القدر برای او ليله القدر می‌شود؛ و الا ليله القبر می‌شود. کسی شب قدر را درک می‌کند که قدر قرآن را بشناسد. در دو فراز آن شب گفته‌اند که قرآن را پیش روی خود باز کنید. من دیده‌ام که برخی، قرآن‌های جزء جزء شده یا حزب حزب شده را جلوی روی خود یا روی سر خود می‌گذارند. نمی‌دانم این از کجا نشئت گرفته است؟! قرآن کامل منظور است، نه یک حزب یا یک جزء از آن. متأسفانه ما در همه چیز دخل و تصرفاتی داریم!

در آن شب، خدا را با وساطت این قرآن می‌خوانیم و قسم می‌دهیم. این قرآن همه چیز اعم از ظاهر و باطن را در بر می‌گیرد. به خداوند می‌گوییم: آیات وعده و وعید در این

جلوی صورت خود بگذاری و به حق این قرآن، از خدا طلب کنی و از باطن قرآن کمک بگیری؟

لحظه‌ای که شما قرآن را روی قلب خود می‌گذارید، با هیچ لحظه‌ی دیگری مقایسه نمی‌شود و اصلاً قابل توصیف نیست. امنیت و آرامشی ایجاد می‌شود که نمونه ندارد.

در همین دعای چهل و دوم، امام شیوه‌ی توسل به قرآن کریم را به ما آموزش می‌دهند و پرده‌برداری می‌کنند و شما را تا قبر و قیامت و عوالم دیگر می‌برند. امام، شما را با قرآن به تمام صحنه‌های خطر می‌برد و شما را با سلامت بیرون می‌آورد. دعای چهل و دوم در کنار همه‌ی زیبایی‌ها و امتیازات خود، یک امتیاز برجسته دارد و آن، تعلیم توسل به قرآن کریم است. این دعا از این جهت

قرآن هست و من تو را به این کتاب قسم می‌دهم که مرا از آزادشده‌های جهنم قرار دهی.

اعتصام این‌گونه است. در فراز

بعد هم می‌گوید قرآن را روی

سر خود بگذار و بگو: «اللَّهُمَّ

بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّ مَنْ

أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ

مَدَّحْتَهُ فِيهِ وَ...» [۶] خدایا به حق

این قرآن، و به حق کسی که آن

را بر او فرستادی، و به حق هر

مؤمنی که او را در قرآن ستودی،

و...». سپس اسم تمام اولیا را

می‌برد و همه را یک‌به‌یک با

تشریفات خاص بیان می‌کنید و

خدا را سوگند می‌دهید. بعد هر

چه می‌خواهید از خدای متعال

طلب می‌کنید. این روش توسل

به ما آموزش داده شده است.

آیا این روش فقط برای شب

قدر است؟! آیا شد که تو در دل

سحر، با ایمان به حقیقت قرآن،

این کتاب را روی سر خود و

زمینه برجستگی‌هایی دارند که در کلمات اولیا بیان شده است.

۲. خدمت به قرآن کریم

یکی دیگر از مصادیق ادب مع القرآن، خدمت به قرآن کریم است. تا اینجا هر چه گفتیم، استزائه محسوب می‌شود و شما از قرآن کریم با شیوه‌های مختلف دریافت می‌کنید. مطلب اخیر، مطلب دیگری است و آن اینکه تو به محضر قرآن بروی تا جزء اصحاب القرآن و انصار القرآن در ترویج و نورافشانی شوی. تو واسطه شوی تا نور و علم و دستگیری قرآن به دیگران برسد. این مرتبه به قدری والا و رفیع و شیرین است که نمی‌توان آن را توضیح داد.

زمانی که به بحث تدریس قرآن اشاره‌ای داشتیم، آن‌هم به همین جهت بود؛ اما

خیلی فوق‌العاده و زیبا است و نمونه‌ی دیگری ندارد. در کلمات اولیای خدا مطالبی هست، اما مختصر و کوچک است؛ ولی دعای چهل و دوم به صورت جامع و مفصل، شیوه‌ی استغاثه و اعتصام به قرآن را به ما نشان می‌دهد. این یکی از زیباترین جلوه‌های صحیفه‌ی مبارکه است.

اشکالی ندارد اگر شما با بعضی سوره‌های قرآن کریم همین حس را پیدا کنید. آن کل به جای خود، حقیقت سوره‌ها و وحدت باطنی سوره‌ها هم به جای خود. آنجا هم جای استغاثه و توسل است. گاهی افراد با یک سوره‌ی خاص، انس و وحدت و ارتباط خاص دارند و از همان سوره مدد می‌گیرند. مثلاً کسی که با سوره‌ی یس انس دارد، خدای متعال را به حق یس قسم می‌دهد. برخی سوره‌ها در این

تمام مؤمنان فراهم آورده و منت گذاشته و اذن آن را داده است تا یار قرآن باشند. آنجا که تو نشسته‌ای و برای خودت تلاوت می‌کنی، در این مقام نیستی؛ اما آنجایی که برای دیگران تلاوت می‌کنی، در این مقام هستی. در این مقام، شما پا جای پای ولی و نبی می‌گذاری. خدای متعال وقتی می‌خواهد در مورد رسول خود سخن بگوید، می‌گوید: رسول ما قرآن را بر آنان تلاوت می‌کند و تعلیم می‌دهد و تزکیه می‌کند [۸] و با این کتاب، کار تبلیغ و تلطیف و آزادسازی و ارائه‌ی احکام را انجام می‌دهد. به ما نیز چنین اذنی داده‌اند و این، لطف بسیار بزرگی است. اگر تو در این بین سهم پیدا کنی و دیگران را دعوت کنی و به آنها بگویی: «کُونُوا رَبَّانِيِّينَ» [۹] علمای دین باشید»، واسطه‌ی قرآن خواهی بود.

اینجا بحث تجمیع است. قرآن خود می‌فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» [۷] همان کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا بیم ندارند، و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند».

حال شما مبلغ قرآن می‌شوی و واسطه‌ی رسیدن این کلمات به چشم و گوش و دست دیگران. این‌گونه جزء انصار القرآن می‌شوی.

وجوه مختلف خدمت به قرآن کریم

کسی که اهلیت پیدا می‌کند، می‌تواند واسطه‌ی انتشار این نور شود. خدای متعال این امکان را به نحو امتنانی و تشریفی برای

مناسب به یک دوست هدیه دهی، باعث می‌شود جزء همین گروه شوی. کسی که اموال خود را در خدمت چاپ و نشر و توزیع قرآن کریم قرار داده، جزء همین گروه است. کسی که با اموال خود، تفسیر یا درس‌های قرآن را به اهلش می‌رساند، جزء انصار القرآن است. شما می‌توانید استعداد و جوانی و ذهن و فکر و هنر و آبرو و جان خود را وقف قرآن کنید. شهدای عزیز ما همگی جزء برترین مثال‌های انصار القرآن هستند؛ زیرا وقتی دیدند تحقق آمال و آرزوهای قرآنی، جان می‌خواهد، جان خود را به میدان آوردند. مثال‌های این نصرت، محدود به این موارد نیست و نباید فقط کسانی را که درس و بحث قرآنی دارند، در ذهن داشته باشید.

تبلیغ رسالات الهی و ارائه‌ی امر و نهی الهی و بیان حکم و علم الهی و انجام فرایند تزکیه و تطهیر، مراتبی دارد. این امکان، یعنی نصرت و خدمت به قرآن، برای گروه خاصی تعریف نشده و تمام مؤمنان می‌توانند از این امکان فراهم‌شده بهره‌مند شوند. البته مصادیق برجسته و برگزیده و خاص دارد که آنها رتبه‌ی یک خواهند بود و مثال‌های آن، امام راحل عظیم‌الشأن یا علامه طباطبایی است. علما و کسانی که در مدرسه‌ی امام صادق (علیه السلام) درس می‌خوانند، سهم خاص دارند؛ ولی همه می‌توانند در این مدار قرار گیرند. فقط کافی است به این باور برسند که سرمایه‌های خود را بشناسند و آنها را در خدمت قرآن قرار دهند. اینکه شما یک جلد کلام الهی را با ترجمه‌ی خوب تهیه کنی و در وقت

به ذهنتان رسید، طرح کنید تا این مطلب کامل شود. ان شاء الله خدای متعال توفیق دهد در خدمت به قرآن کریم خوب عمل کنیم.



منابع و مأخذ

[۱]. آل عمران: ۱۰۳.

[۲]. نمل: ۳۸-۴۰.

[۳]. رعد: ۴۳.

[۴]. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«آن کسی که علم کتاب نزد او است،

امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌باشد.»

علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر قمی،

ج ۱، ص ۳۶۷.

هر یک از ما باید خود را در خدمت به قرآن کریم تعریف کند و نباید بگذارد که استعداد و سرمایه‌اش تلف شود. به هر شکل ممکن باید جزء انصار القرآن باشیم.

برخی مطالبی که بیان شد، از تفسیر المیزان و تفسیر نمونه و بیانات علامه جوادی آملی بود. برخی دوستان فاضل هم در این زمینه کارهایی کرده و کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند که در نشر بوستان قرآن می‌توانید این آثار را ببینید.

این مطالب و گفتن‌ها و شنیدن‌ها، برای این کمترین و شما بزرگواران مسئولیت و وظیفه ایجاد می‌کند؛ البته وظیفه‌ها و مسئولیت‌های شیرین و خوب.

این مطالب را کنار هم بگذارید و عمل کنید و هر جا پرسشی

[۵]. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار،
ج ۸۹، ص ۲۳۹.

[۶]. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان،
اعمال شب قدر.

[۷]. احزاب: ۳۹.

[۸]. رک: بقره: ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴.

[۹]. آل عمران: ۷۹.



افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۶ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجمع فرهنگی شهدای هفتم تیر